



اعلامیه «نظرات و قطعه‌نامه‌های سِنِکافالز»

براساس ویرایش دایان راویچ



THE AMERICAN READER.
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner
whatsoever without written permission except in the case of brief
quotations embodied in critical articles and reviews.
For information address HarperCollins Publishers Inc.,
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published by
arrangement with HarperCollins Publishers.



آموزشکده الکترونیکی
برای جامعه مدنی ایران
TAVAANA توانا

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

اعلامیه «نظرات و قطعنامه‌های سنیکا فالز»

(Seneca Falls Declaration of Sentiments and Resolutions)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راویچ (Diane Ravitch)

نقاشی روی جلد: Small Monument of a Head اثر پل کله

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

© E-Collaborative for Civic Education 2014

e-collaborative for civic education

ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که پیشتر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گرد آوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari

فهرست

۹	مقدمه دایان راویچ
۱۱	اعلامیه «نظرات و قطعه‌نامه‌های سینکا فالز»
۱۴	قطعه‌نامه‌ها

مقدمه دایان راویچ

«تاریخ بشر، تاریخ صدمات و غضب‌های مکرر

مردان نسبت به زنان است.»

در نیمه قرن نوزدهم میلادی، زنان حقوق قانونی یا سیاسی معدودی داشتند، هرچند تعداد فزاینده‌ای از زنان در اداره‌های دولتی، مغازه‌ها، کارخانه‌ها، مزرعه‌ها و کلاس‌های درس کار می‌کردند اما نارضایتی زنان از وضعیت گروهی‌شان با ایدئولوژی دموکراتیک آمریکایی تقویت می‌شد. زنان خواندن می‌دانستند، اعلامیه استقلال را خوانده بودند، و در مورد قدرت بیان حقوق طبیعی، مساوات‌طلبی و آزادی که طرفدارهای لغو برده‌داری و دیگر اصلاح‌گران از آن سود بردند شنیده بودند. پس در سرزمینی که به وجدان فردی ارج می‌نهد، اینکه برخی از زنان با صدایی بلند بپرسند، چرا با زنان همانند دون پایه‌های قانونی و سیاسی رفتار می‌شود، امری اجتناب‌ناپذیر بود.

الیزابت کدی استانتون^۱ و چهار زن دیگر در نوزدهم و بیستم جولای ۱۸۴۸، انجمنی ترتیب دادند، تا از طریق آن در مورد «وضعیت و حقوق اجتماعی، مدنی، و مذهبی زنان

1. Elizabeth Cady Stanton (1815-1902)

بحث کنند.» این گروه به رهبری استانتون، پیش‌نویس «اعلامیه نظرات» را بر پایه مدل اعلامیه استقلال نوشت. در حدود صد زن و مرد در سنیکا فالز در نیویورک گرد هم آمدند و اعلامیه را به بحث گذاشتند، آن را اصلاح و در نهایت تصویب کردند. آن‌ها جلوتر از عقاید عموم بودند که حقوق زنان، مخصوصاً حق رأی را رد می‌کردند.

«وایومینگ»، اولین ایالتی بود که در سال ۱۸۶۹ به زنان حق رأی داد. اولین کشورهایی که حق رأی زنان را تصویب کردند، نیوزیلند (۱۸۹۳)، فنلاند (۱۹۰۶) و نروژ (۱۹۱۳) بودند. زنان آمریکایی حق رأی را در سال ۱۹۲۰ از آن خود کردند، زمانی که نوزدهمین اصلاحیه قانون اساسی به تصویب رسید.

اعلامیه «نظرات و قطعنامه‌های سنکا فالز»

وقتی در جریان رویدادهای بشری، برای بخشی از خانواده بشر این ضرورت پیش می‌آید تا در زندگی‌شان میان انسان‌های زمین، جایگاهی را متفاوت از آنچه پیش از این داشتند، به عهده بگیرند - جایگاهی که قوانین طبیعت و خدای طبیعت، افراد را مستحق آن کرده است - احترامی شایسته به عقاید بشر، این بخش از مردم را به بیان دلایلی ملزم می‌کند که آنان را به چنین روندی واداشته است.

این حقایق را بدیهی در نظر می‌گیریم که همه مردان و زنان برابر خلق شده‌اند و خالق‌شان به آن‌ها حقوقی سلب‌ناشدنی مشخصی اعطا کرده است، از جمله حق زندگی، آزادی و طلب خوشبختی. برای حفاظت از این حقوق، حکومت‌ها بنیان نهاده شده‌اند، حکومت‌هایی که قدرت‌شان را از رضایت مردم به دست می‌آورند. پس هر زمان هر نوعی از حکومت این اهداف را پایمال کند، این حق رنج‌دیدگان است که از چنین حکومتی تبعیت نکنند و بر تأسیس حکومتی تازه اصرار داشته باشند، حکومتی که پایه‌هایش را بر چنان اصولی گذاشته باشد و قدرت‌های خود را به شکلی سازمان‌دهی کرده باشد که به احتمال بسیار زیاد موجب امنیت و خوشبختی مردم شود. در حقیقت، دوران‌دیشی حکم می‌کند که دولت‌های تثبیت شده نباید به خاطر دلایلی ساده و گذرا تغییر داده شوند؛ و بر همین اساس، تمامی تجربه‌ها نشان

داده‌اند که بشر بیشتر مستعد رنج کشیدن است تا اینکه با برچیدن روندهایی که به آن‌ها خو گرفته است، خود را اصلاح کند، در حالی که اهریمن‌ها تحمل رنج کشیدن را دارند. اما زمانی که زنجیره‌ای طولانی از سوء رفتارها و غضب‌ها، همواره دنباله‌رو یک مقصود باشد و طرحی ریخته باشد تا مردم را در خود کامگی مطلق محدود کند، دیگر این وظیفه مردم است تا چنین حکومتی را ساقط کنند و برای حفظ امنیت آینده‌شان، نگرهبانانی جدید مقرر کنند. تحمل صبورانه زنان تحت سلطه چنین حکومتی به همین گونه بوده است، و بر همین اساس هم اکنون باید به زنان فشار آورد تا خواستار وضعیتی برابر باشند، وضعیتی که مستحق آن هستند.

تاریخ بشر، تاریخ صدمات و غضب‌های مکرر مردان نسبت به زنان است، با این هدف مستقیم که استبدادی کامل بر زنان وضع شود. برای اثبات این امر، بگذارید واقعیات به جهانیان واقع‌بین ارائه شود.

مردان هرگز به زنان اجازه نداده‌اند تا از حق مسلم خود برای رأی دادن در انتخابات استفاده کنند.

مردان زنان را مجبور به اطاعت از قوانین کرده‌اند، قوانینی که زنان در شکل‌گیری‌شان هیچ رأیی نداشته‌اند.

مردان حقوقی را از زنان دریغ کرده‌اند که به ناآگاه‌ترین و خوارترین مردان زمانه اعطاء شده است - هم به بومی‌ها و هم به خارجی‌ها.

زنان را از حق اولیه شهروندی‌شان، حق رأی دادن محروم ساخته‌اند، بنابراین آنان را از داشتن نماینده در اتاق‌های قانون‌گذاری محروم کرده‌اند؛ مردان از همه جهات به زنان ظلم کرده‌اند.

اگر مردی با زنی ازدواج کند، در چشم قانون، زن را به شهروندی مُرده تبدیل کرده است.

مردان تمام حقوق مالکیت را از آنان گرفته‌اند، حتی دستمزدشان را.

مردان، زنان را از نظر اخلاقی به موجودی غیر مسئول تبدیل کرده‌اند، چون زن می‌تواند با مصونیت از مجازات، دست به جرائم گوناگونی بزند، فقط کافی است این جرائم را در حضور همسرش انجام داده باشد. در پیمان ازدواج، زن مجبور به سوگند اطاعت کامل از همسرش می‌شود، بعد مرد با تمامی اهداف و نیت، تبدیل به ارباب زن‌اش می‌شود - قانون به او قدرت داده است تا آزادی همسرش را بگیرد و دست به تنبیه او بزند.

مردان همچنین قوانین طلاق را هم تدوین کرده‌اند، مثلاً دلایل مناسب برای طلاق را قید کرده‌اند؛ در صورت جدایی، مشخص کرده‌اند سرپرستی فرزندان به چه کسی

واگذار شود؛ کاملاً بدون توجه به خوشبختی زنان. قانون در تمامی موارد، بر اساس تصور غلط برتری مردان عمل می‌کند و تمام قدرت‌ها را به دست آنان می‌دهد.

مردان، علاوه بر محروم کردن زن متأهل از تمام حقوق‌اش، اگر هم مجرد و صاحب ملک باشد، او را ملزم به پرداخت مالیات می‌کنند تا حامی حکومتی باشد که زن را فقط در زمانی به رسمیت می‌شناسد که از اموال او بتواند سودی به جیب بزند. مردان تقریباً تمام مشاغل سودمند را به انحصار خود درآورده‌اند و زنان از مشاغلی که اجازه حضور در آن‌ها را یافته‌اند، دستمزد اندکی دریافت می‌کنند.

مردان تمام راه‌های کسب ثروت و افتخار را بر زنان بسته‌اند، چون خودشان را بیشتر لایق می‌دانند. زنان را در زمینه‌هایی مانند استادی الهیات، پزشکی یا حقوق قبول ندارند.

مردان امکانات کسب تحصیل کامل را هم از زنان دریغ کرده‌اند - تمام دانشگاه‌ها بر روی زنان بسته است.

مردان، زنان را به کلیساها و همین‌طور به دولت راه می‌دهند، اما در جایگاه‌های زیردست، ادعا می‌کنند قدرت وابسته به پاپ، زنان را از جایگاه کشیشی کنار زده است و با برخی استثناءها، زنان را از مشارکت عمومی در امور کلیسا هم کنار گذاشته است.

مردان دیدگاه عمومی اشتباهی ایجاد کرده‌اند و از طریق آن، قوانین اخلاقی متفاوتی به مردان و زنان می‌دهند، بر پایه قصور از این اخلاقیات زنان از جامعه طرد می‌شوند، اخلاقیاتی که نه تنها مقبولیت یافته‌اند که ارزش و اهمیت اندکی نیز برای مرد قائل شده‌اند.

آن‌ها امتیاز «یهوه» را هم به سود خود غصب کرده‌اند، ادعا می‌کنند حق مردان است تا برای زنان حوزه عمل مشخص کنند، در حالی که چنین چیزی متعلق به وجدان زن و خدای او است.

مردان به هر روشی که توانسته‌اند، به جد تلاش کرده‌اند تا اعتماد زنان را به قدرت‌شان ویران کنند، عزت نفس‌شان را کاهش دهند و آنان را دنباله‌رو یک زندگی وابسته و رقت‌انگیز کنند.

حال، در چشم‌انداز نبود حق رأی برای نیمی از جمعیت کشور، همراه با تخریب اجتماعی و مذهبی آنان و در چشم‌انداز قوانین ناعادلانه‌ای که در بالا قید شده‌اند، و به خاطر اینکه زنان خودشان را آزرده و ستم‌دیده یافته‌اند و ریاکارانه از مقدس‌ترین حقوق‌شان محروم شده‌اند، ما در اینجا اصرار داریم که فوراً به آن‌ها تمامی حقوق و امتیازهایی اعطاء شود که به عنوان شهروند ایالات متحده آمریکا به آنان تعلق دارد.

در راستای آغاز کار بزرگی که رو در روی ما است، نباید ذره‌ای تصور غلط و اطلاعات نادرست را فراهم کنیم و نباید بگذاریم به سخره گرفته شویم؛ بلکه باید از هر گونه ابزار موجود در حیطه قدرت‌مان برای رسیدن به هدف‌مان سود ببریم. باید مأمورانی استخدام کنیم، رساله‌هایی منتشر کنیم، پتیشن‌هایی به دولت و قانون‌گذاران ملی بنویسیم و به جد تلاش کنیم تا منبرها و رسانه‌ها را به سود خودمان به کمک بطلبیم. امیدواریم این انجمن شروعی برای مجموعه انجمن‌های دیگری باشد که تمام این سرزمین را در بر بگیرد.

به پیروزی نهایی حق و حقیقت مطمئنیم، و امروز امضای‌مان را به این اعلامیه ضمیمه می‌کنیم.

قطعنامه‌ها

اذعان شده که قانون والای طبیعت این است که «بشر باید به دنبال خوشبختی حقیقی و ذاتی خود باشد.» «بلک‌استون» در تفسیرش [بر قوانین انگلستان] اشاره دارد که این قانون طبیعت به قدمت بشریت است و توسط خود پروردگار حکم شده است، و البته بالاتر از هر تکلیف دیگری است. این قانون برای تمام کره خاکی، در همه کشورها و در همه زمان‌ها الزام‌آور است؛ هیچ قانون بشری با هر گونه اعتباری نمی‌تواند خلاف این باشد، و قوانینی که معتبرند، تمام قدرت‌شان، تمام اعتبارشان، تمام صلاحیت‌شان، تمام میانجی‌گری و فوریت‌شان را از این قانون گرفته‌اند.

بنابراین:

- مصوب شد، قوانینی که به هر شکلی مغایر با خوشبختی حقیقی و ذاتی زنان باشند، در تضاد با قانون والای طبیعت قرار می‌گیرند و دارای هیچ‌گونه اعتباری نیستند؛ زیرا که قانون والای طبیعت «در التزام‌آوری، برتر از هر قانون دیگری است.»

- مصوب شد، تمام قوانینی که زنان را از داشتن جایگاهی در جامعه باز می‌دارند که وجدان زنان به چنان جایگاهی حکم می‌کند، یا او را در موقعیتی فروتر از مردان قرار می‌دهند، در تضاد با قانون والای طبیعت قرار می‌گیرند و بنابراین دارای هیچ‌گونه قدرت یا صلاحیتی نیستند.

مصوب شد، زنان برابر با مردان هستند؛ درست همان گونه که توسط خداوند مقرر شده است و والاترین سعادت بشر حکم می‌کند که زنان به رسمیت شناخته شوند.

مصوب شد، زنان این کشور باید از قوانینی که تحت آن‌ها زندگی می‌کنند آگاه شوند، تا با اظهار رضایت از جایگاه کنونی خود دیگر بر تحقیر خود صحنه نگذارند، و با بیان اینکه تمام حقوق لازم در اختیارشان قرار گرفته است دیگر بر ناآگاهی‌شان تاکید نکنند.

مصوب شد، از آنجایی که مردان برتری اخلاقی را به زنان اعطا می‌کنند، درحالی که برای خود قائل به برتری عقلانی هستند، این وظیفه اصلی آنان است تا در مجامع مذهبی، هر گاه که فرصت باشد، زنان را به سخن گفتن و تعلیم دادن ترغیب کنند.

مصوب شد، همان اندازه فضیلت، ملاحظه و تزکیه رفتاری که در اجتماع برای زنان مقرر شده است باید برای مردان نیز در نظر گرفته شود و بر این اساس، سرپیچی از این موارد باید از مجازاتی برابر برای مردان و زنان برخوردار باشد.

مصوب شد، اعتراض به بی‌زاکتی و ناشایستگی که در اغلب موارد علیه زنان استفاده می‌شود وقتی زنی در جمعی عمومی صحبت می‌کند، از همان دعوت بیمارگونه کسانی نشأت می‌گیرد که با حضورشان در کنسرت‌ها و برنامه‌های سیرک، زنان را تشویق به آمدن روی صحنه می‌کنند.

مصوب شد، زنان مدتی بسیار طولانی از محدودیت‌هایی که با آن سر کرده‌اند راضی بوده‌اند، محدودیت‌هایی که عرف‌های فاسد و خواسته‌های منحرف متون مقدس برای آنان مشخص کرده‌اند و اکنون زمان آن فرا رسیده است که زنان به سوی عرصه‌ای گسترده‌تر گام بردارند، عرصه‌ای که خالق بزرگ‌شان معین کرده است.

مصوب شد، این وظیفه زنان این کشور است تا حق مقدس رأی را برای خودشان به ارمغان بیاورند.

مصوب شد که نتیجه برابری حقوق انسان‌ها الزاما از این حقیقت گرفته شده است که انسان‌ها در توانایی‌ها و مسئولیت‌هایشان یکسان هستند.

بنابراین مصوب شد که چون پروردگار توانایی‌های یکسان، و آگاهی یکسانی از مسئولیت در قبال آن‌ها در اختیار همگان قرار داده است، این وظیفه و حق زنان است که به طور برابر با مردان اهداف درست را با ابزاری موجه ترویج کنند، به خصوص با توجه به موضوعات برجسته اخلاقی و دینی. مسلما حق زنان است که در کنار مردان در آموزش آن‌ها، هم در فضای خصوصی و هم در فضای عمومی مشارکت کنند، چه با نوشتن و چه با سخن گفتن، و در این راه باید بتواند از هر ابزار مناسبی استفاده کند و مجمع مناسبی را هم بتواند شکل بدهد، و این حقیقت مسلم از اصول الهی طبیعت انسان منشاء گرفته است و هرگونه سنت یا قدرت مخالف با آن، خواه مدرن یا آن که در پوشش فتوای کهن باشد، اشتباهی مسلم است و با منافع بشر در تضاد قرار می‌گیرد.

مصوب شد که موفقیت سریع جنبش ما وابسته به تلاش‌های پرشور و خستگی‌ناپذیر مردان و زنان است، تا انحصار منبرهای خطابه را برچینند و برای زنان مشارکتی برابر با مردان در حرفه‌ها، پیشه‌ها و تجارت‌ها تأمین کنند.

